

خدا همه جا هست

آن روز برف زیادی باریده بود و بچه‌ها در حیاط مدرسه مشغول بازی بودند. حسین و حامد به طرف هم گلوله برفی می‌انداختند. وقتی حامد می‌خواست گلوله برفی دیگری درست کند چشمش به یک ساعت افتاد که بر روی برف‌ها افتاده بود. به اطرافش نگاه کرد، کسی حواسش به او نبود. یواشکی ساعت را در جیبش گذاشت و دوباره مشغول بازی شد. بعد از تعطیل شدن مدرسه به خانه رفت و ساعت را به دستش بست. آن را به مادرش نشان داد و گفت: مادر امروز این ساعت را در حیاط مدرسه پیدا کردم. ببین چه قدر قشنگ است! می‌خواهم آن را برای خودم نگه دارم.

مادرش گفت: پسرم کار خوبی نکردی که ساعت را به خانه آوردی. چیزی را که برای تو نیست نباید برمی‌داشتی. حامد گفت: مادر جان هیچ کس نمی‌داند که من این ساعت را پیدا کردم، در آن موقع کسی مرا ندید.

مادر گفت: پسرم حتی وقتی هیچ کس نمی‌بیند که ما چه کار می‌کنیم، خدا ما را می‌بیند. حامد پرسید: حتی وقتی که من در اتاق تنها هستم، باز هم خدا مرا می‌بیند؟ مادر جواب داد: بله پسرم خدا همه جا هست او ما را آفریده و از هر کار ما آگاه^۱ است حتی وقتی به چیزی فکر می‌کنیم و یا در دل خود چیزی از او می‌خواهیم خدا باخبر می‌شود.

حامد با شنیدن حرف‌های مادرش تصمیم گرفت ساعت را به آقای ناظم بدهد. فردای آن روز وقتی حامد به مدرسه رفت، ساعت را به آقای ناظم داد. او از حامد تشکر کرد و گفت: آفرین، تو پسر درستکاری هستی. خدا انسان‌های درستکار را خیلی دوست دارد.



آیا خدا تنهاست
همراه آدم‌هاست
گفتی خدا آن جاست
پشت و پناه ماست

من از تو پرسیدم
گفتی خدا هر جا
گفتی خدا این جاست
دست خدا هر جا



پیامی از قرآن

خدا هر کاری را که انجام می دهید می بیند. (سوره ی بقره، آیه ی ۹۶)

فکر کن و کامل کن

خدا همه جا هست و از هر کار ما..... است.

حالا برایم بگو

چه کارهایی می توانی انجام دهی که خدا از تو راضی شود؟ با دوستانت در کلاس
گفت و گو کن.

اکنون می توانی

جمله ی زیر را کامل کنی.

چون می دانم خدا همه جا هست و مرا می بیند همیشه سعی می کنم.....

.....

زندگی دوباره

فصل زمستان تمام شده و فصل زیبای بهار از راه رسیده است. شاخه‌های خشک درختان حالا پر از برگ‌های سبز شده و علف‌ها و گل‌های رنگارنگ روی زمین را پوشانده است. حیوانات از خواب زمستانی بیدار شده و آواز پرندگانی که از کوچ^۱ برگشته‌اند همه‌ی دشت را پر کرده است. برف‌ها آب شده و رودخانه‌ها پر آب شده‌اند. چه قدر صدای شرشر آب لذت‌بخش است!

من به مادرم گفتم: مادر! چه قدر فصل بهار زیباست در این فصل همه چیز زنده و تازه می‌شود. من این فصل را خیلی دوست دارم راستی چه طور در بهار همه‌ی طبیعت تغییر می‌کند؟ مادرم گفت: فرزندم خداوند مهربان و توانا فصل‌ها را به وجود می‌آورد. زنده شدن طبیعت در فصل بهار نشانه‌ی قدرت و مهربانی خداست وقتی فصل بهار می‌آید من به یاد جهان دیگری می‌افتم که بالاخره همه‌ی ما روزی پس از مرگ باید به آن جا برویم. فصل بهار برای ما نشانه‌ای است برای این که بدانیم با مرگ همه چیز نابود نمی‌شود از مادرم پرسیدم: مادر جان آیا ما هم بعد از مرگ دوباره زنده می‌شویم؟ مادر جواب داد: عزیزم خداوند آفریننده‌ی تمام چیزهاست همان طور که یک روز به دنیا آمدیم روزی هم به خواست او با مرگ این جهان را ترک می‌کنیم و به جهان دیگری می‌رویم. همان گونه که در فصل بهار طبیعت دوباره زنده می‌گردد، خداوند توانا بعد از مرگ هم دوباره ما را زنده می‌کند تا هر کدام از ما نتیجه‌ی کارهای خوب و بد خود را ببینیم.

من با خودم فکر کردم که خداوند چه قدر عادل است که نمی‌خواهد ما بعد از مرگ از بین برویم تا در جهان آخرت انسان‌های نیکوکار به پاداش کارهای خوب خود برسند و انسان‌های بدکار مجازات شوند.

۱- کوچ: رفتن از جایی به جای دیگر



پیامی از قرآن

به درستی که خداوند مردگان را زنده می‌کند و او قادر به انجام هر کاری است. (سوره ی حج، آیه ی ۶)

پاسخ دهید:

— چرا خداوند مهربان نمی‌خواهد ما بعد از مرگ از بین برویم؟

فکر کن و کامل کن

— فصل بهار نشانه‌ای است برای این که بدانیم با مرگ همه چیز نابود.....
— همان طور که در فصل بهار طبیعت دوباره زنده می‌گردد، خداوند توانا بعد از مرگ هم دوباره ما را..... می‌کند.

حالا براييم بگو

به نظر تو برای این که زندگی ما نیز مانند بهار پر از خوبی‌ها و زیبایی‌ها باشد چه باید بکنیم؟ در این مورد با راهنمایی معلم با دوستانت گفت‌وگو کن.

اکنون می‌توانی بگویی

وقتی انسان‌ها در جهان دیگر دوباره زنده می‌شوند چه کسانی خوش‌حال و چه کسانی ناراحت هستند؟

اکنون می‌توانی

چند نمونه از کارهایی که خداوند را از ما راضی می‌کند و باعث می‌شود ما در جهان دیگر خوش‌حال و سر حال و سربلند باشیم بنویس.

—۱

—۲

—۳

عهد و پیمان^۱

یکی از روزهای گرم تابستان بود. پیامبر گرامی (ص) زیر آفتاب، روی سنگی نشسته بود. هوا بسیار گرم بود. خورشید بر سر و صورت پیامبر (ص) می تابید و عرق از پیشانی او می ریخت. ایشان از شدت گرما گاهی برمی خاست و دوباره می نشست و به اطراف نگاه می کرد. مثل این که منتظر کسی بود. عده‌ای از یاران رسول خدا از دور پیامبر (ص) را دیدند. نزد ایشان آمده، سلام کردند و گفتند: ای رسول خدا، در این هوای گرم چرا زیر آفتاب نشسته‌اید؟ پیامبر (ص) فرمود: صبح که هوا خنک بود با شخصی این جا قرار گذاشتم و منتظرش هستم تا بیاید، ولی او دیر کرده است. یکی از یاران به پیامبر (ص) گفت: این جا آفتاب است و گرما شما را ناراحت می کند. آن طرف تر سایه است، آن جا منتظرش بمانید. پیامبر (ص) فرمود: من با آن مرد همین جا قرار گذاشته‌ام اگر به جای دیگر بروم برخلاف قول و قرارم عمل کرده‌ام....

پیامبر گرامی ما به عهد و پیمان بسیار اهمیت می داد و پیمان شکنی^۲ را گناه بزرگی می دانست و همیشه می فرمود: انسان‌هایی که راست‌گوتر، امانت‌دار و خوش اخلاق تر باشند و به عهد و پیمان خود عمل کنند در جهان آخرت به من نزدیک تر هستند.

۱— عهد و پیمان: قول و قرار

۲— پیمان شکنی: عمل نکردن به قول و قرار



پیامی از قرآن

به عهد خود وفا کنید (سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۴)

پاسخ دهید:

— با توجه به متن درس چه کسانی در جهان آخرت به پیامبر (ص) نزدیک‌ترند؟ دو مورد را بیان کنید.

فکر کن و کامل کن

— یک مسلمان همیشه به..... خود عمل می‌کند.
— پیامبر (ص) به عهد و پیمان بسیار اهمیت می‌داد و..... را گناه بزرگی می‌دانست.

حالا براييم بگو



- تا به حال چه قول و قرارهایی با دوستانت گذاشته‌ای؟
- اگر دوستت به یکی از این قول و قرارهایش عمل نکند چه احساسی پیدا می‌کنی؟
به او چه می‌گویی؟ درباره آن‌ها در کلاس با دوستانت گفت‌وگو کن.

اکنون می‌توانی



- در چند خط بنویس که چرا باید به قول و قرارهایمان اهمیت دهیم و به آن‌ها عمل کنیم،
آن را در کلاس برای دوستانت بخوان.



فعالیت پیشنهادی معلم :

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

دعای باران

چند سالی بود که باران نمی‌بارید. چشمه‌ها خشک شده بود و مزرعه‌ها دیگر سبز نبود. مردم به خاطر خشکسالی^۱ به سختی زندگی می‌کردند. روزی عده‌ای از یاران امام رضا (ع) نزد ایشان رفتند و از آن حضرت خواستند تا برای باریدن باران دعا کند و مردم را از خطر خشکسالی نجات دهد. به درخواست مردم در یکی از روزها، امام رضا (ع) همراه با یارانش و عده‌ای از مردم برای خواندن نماز از شهر بیرون رفت. امام رو به آسمان کرد و در دل با خدای خود راز و نیاز^۲ کرد و بعد به نماز ایستاد و پس از نماز برای باریدن باران دعا کرد. امام با صدای بلند گفت:

«خداوندا، این مردم به امید رحمت^۳ تو به این جا آمده‌اند. آن‌ها را ناامید نکن و باران رحمت خود را بر آن‌ها بفرست.»

لحظاتی نگذشته بود که ابرهای تیره آسمان را پر کردند. امام به مردم گفت: زود به خانه‌هایتان بروید که خداوند به شما لطف کرده و می‌خواهد باران بفرستد مردم به طرف خانه‌های خود رفتند. همین که به خانه رسیدند قطره‌های درشت باران شروع به باریدن کرد حالا دیگر همه فهمیده بودند که خدا چه قدر امام رضا (ع) را دوست دارد و به خاطر دعاها و بارانش را بر دشت و صحرا فرستاده است.

۱- خشکسالی: سال‌هایی که باران نمی‌بارد یا کم می‌بارد.

۲- راز و نیاز: صحبت با خدا، دعا

۳- رحمت: مهربانی



خدایا پدر و مادر مرا یاری کن همان طور که آن ها مرا یاری می کنند.



حالا برايِم بگو



این درس چه پیام‌هایی به ما می‌دهد؟ در این مورد با دوستانت در کلاس گفت‌وگو کن.

اکنون می‌توانی



با توجه به کلمه‌های داده شده یک دعای زیبا بنویسی.

.....خدایا از تو می‌خواهم

.....پروردگارا پدر و مادرم را

.....الهی بیماران را

برای خواندن



حضرت امام رضا (ع) در مدینه به دنیا آمد و بیش تر زندگانی خود را در آن شهر گذراند. مأمون خلیفه‌ی عباسی برای این که امام رضا (ع) را از مردم دور کند از او خواست تا از مدینه به خراسان برود و حکومت را بپذیرد. اما امام از حيله‌ی مأمون آگاه بود و پیشنهاد او را رد کرد. سرانجام مأمون امام را مجبور کرد و امام رضا (ع) فقط در ظاهر مقام جانشینی او را پذیرفت و از حکومت ظالمانه‌ی مأمون هیچ حمایتی نمی‌کرد.^۱ امام رضا (ع) آن قدر مورد علاقه‌ی مردم قرار گرفت که مأمون احساس خطر کرد و سرانجام او را به شهادت رساند.

۱- حمایتی نمی‌کرد: طرفداری نمی‌کرد

فعالیت پیشنهادی معلم :

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

گنبد امام رضا (ع)

غرق نور است و طلا	گنبد زرد رضا
بوی گل، بوی گلاب	می رسد از همه جا

مثل یک خورشید است	می درخشد از دور
شده از این خورشید	شهر مشهد پُر نور

چشم‌ها، خیره به او	قلب‌ها، غرق دعاست
بر لب و پیر و جوان	همه، یا رضا رضاست

ای خدا کاش که من	یک کبوتر بودم
روی این گنبد زرد	شاد می‌آسودم ^۱

«شکوه قاسم‌نیا»

۱- می‌آسودم: استراحت می‌کردم، منظور آسایش و به آرامش رسیدن است.



اولین روز ماه رمضان

هنوز کمی به اذان مغرب مانده بود. مادرم سفره‌ی افطار را پهن کرده و مقداری خرما، نان و پنیر و سبزی در سفره گذاشته بود. من در کنار سفره نشسته و به دوستم اکرم فکر می‌کردم. امروز اولین روز ماه مبارک رمضان بود. در مدرسه بعد از زنگ تفریح وقتی به کلاس رفتم اکرم را دیدم که به بچه‌ها می‌گفت: امروز روزه بودم ولی زنگ تفریح فراموش کردم که روزه هستم و آب خوردم، حالا که روزه‌ام باطل شده ناراحتم.

آن زنگ، قرآن داشتیم. وقتی خانم فاطمی به کلاس آمد متوجه موضوع شد و به اکرم گفت: دخترم اشکالی ندارد. اگر کسی فراموش کند که روزه بوده و چیزی بخورد روزه‌اش باطل نمی‌شود. چون تو یادت نبود که روزه هستی پس خدا قبول می‌کند به شرطی که تا غروب دیگر چیزی نخوری. اکرم خیلی خوشحال شد و خدا را شکر کرد که روزه‌اش باطل نشده است.

من از خانم معلم پرسیدم: چه موقع روزه‌ی ما باطل می‌شود؟

خانم فاطمی گفت: من روی تخته بعضی از مواردی که روزه را باطل می‌کند، برای شما می‌نویسم

آن‌ها را یادداشت کنید تا فراموش نشود.

— خوردن و آشامیدن^۱، هر چند خیلی کم باشد.

— استفراغ عمدی^۲

— فرو بردن تمام سر در آب

— رساندن گرد و غبار و دود غلیظ به گلو

سپس خانم فاطمی گفت: بچه‌های عزیز باید بدانید که اگر کسی عمداً روزه‌اش را باطل کند. گناه

بزرگی انجام داده است.

ناگهان صدای مادرم را شنیدم که گفت: دخترم اذان مغرب را گفتند، روزه‌ات قبول باشد. اول

دعایت را بخوان و بعد افطار کن.



پیامی از قرآن

ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شده است همان طور که بر مردمی که قبل از شما بوده‌اند واجب شده بود.
(سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۳)

پاسخ دهید:

— دو مورد از کارهایی که روزه را باطل می‌کند بنویسید؟

فکر کن و کامل کن

— اگر کسی فراموش کند که روزه بوده و چیزی بخورد روزه‌اش باطل
.....

حالا برایم بگو

اگر کسی به علتی نتواند در ماه رمضان روزه بگیرد به نظر شما در بین روزه‌داران چگونه باید رفتار کند؟ در این مورد با راهنمایی معلم در کلاس با دوستانت گفت‌وگو کن.

اکنون می توانی



درباره‌ی فواید روزه با دوستانت گفت‌وگو کنی، یا از ماه رمضان یک خاطره‌ی خوب تعریف کنی.

برای خواندن



آیا می‌دانید که بعضی از افراد نباید روزه بگیرند؟ مانند کسانی که بیمار هستند و روزه گرفتن برای آن‌ها ضرر دارد یا افراد پیر که روزه گرفتن برای آن‌ها سخت است. همچنین زن حامله یا شیرده که روزه برای خودش یا بچه‌اش ضرر دارد؛ نباید روزه بگیرد.

بیش تر بیاموزیم:



با راهنمایی بزرگ‌ترها تحقیق کن که اگر کسی نتواند به هر علتی در ماه رمضان روزه بگیرد برای جبران آن چه باید بکند؟ مطالبی در مورد آن نوشته و در کلاس برای دوستانت بخوان.

فعالیت پیشنهادی معلم:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

حجاب

زنگ در به صدا درآمد. حمید برای باز کردن در به حیاط رفت. او پس از مدتی به اتاق برگشت و گفت: «مادر جان! تعمیرکار تلویزیون است و برای درست کردن تلویزیون آمده است.» مادر چادرش را سر کرد و به زهره گفت: «دخترم تو هم چادرت را سر کن.» سپس به حمید گفت: «آقای تعمیرکار را به داخل اتاق راهنمایی کن.»

بعد از رفتن تعمیرکار، مادر و زهره چادرهای خود را برداشتند و به جالباسی آویزان کردند. زهره و حمید با خوش حالی مشغول تماشای تلویزیون بودند که دوباره زنگ در به صدا درآمد. این بار دایی جان بود که برای احوال‌پرسی پیش آن‌ها آمده بود. بچه‌ها از دیدن دایی خیلی خوشحال شدند. دایی پس از چند ساعت که پیش آن‌ها ماند، خداحافظی کرد و رفت.

پس از رفتن دایی، زهره پرسید: «راستی مادر جان چرا وقتی که تعمیرکار آمد، ما چادر سر کردیم، ولی وقتی دایی جان آمد چادر سر نکردیم؟!»

مادر گفت: «دخترم! هر زن مسلمان باید پیش مردهای نامحرم حجاب داشته باشد، یعنی بدن و موی سر خود را بپوشاند.»

زهره پرسید: «چه کسانی برای ما محرم و چه کسانی نامحرم هستند؟»

مادر گفت: «پدر، برادر، همسر، فرزندان، دایی‌ها، عموها، پدربزرگ و... برای زنان مسلمان محرم بوده و بقیه مردها برای آن‌ها نامحرم هستند. دخترم! لازم است بدانی که یک زن مسلمان باید پیش مردهای محرم هم لباس مناسب بپوشد.»

سپس مادر گفت: «در دین اسلام یک مرد مسلمان هم در برخورد با زنان نامحرم باید مواردی را رعایت کند مثلاً با آن‌ها دست ندهد.»



حمید پرسید: برای مردان چه کسانی محرم و چه کسانی نامحرم هستند؟
مادر گفت: «مادر، خواهر، همسر، فرزندان، خاله‌ها، عمه‌ها، مادربزرگ و... برای مردان محرم بوده و بقیه‌ی زنان برای آن‌ها نامحرم هستند».
زهرة گفت: «از این که همیشه حجابم را رعایت می‌کنم احساس خوبی دارم».
مادر زهرة را بوسید و گفت: «در این مورد من و پدرت از تو راضی هستیم امیدوارم که خداوند هم از تو راضی باشد».

پیامی از قرآن

با توجه به آیات قرآنی و براساس سفارش‌های دین اسلام «زنان باید بدن و موی سر خود را از نامحرمان بپوشانند و از پوشیدن لباس‌هایی که باعث جلب توجه می‌شود دوری کنند»

پاسخ دهید:

- ۱- حجاب یعنی چه؟
- ۲- چه کسانی برای یک زن مسلمان محرم هستند؟ سه مورد را بیان کنید.
- ۳- چه کسانی برای یک مرد مسلمان محرم هستند؟ سه مورد را بیان کنید.

فکر کن و کامل کن



- هر زن مسلمان باید پیش مردهای نامحرم..... داشته باشد.
- یک زن مسلمان باید پیش مردهای محرم هم لباس..... بپوشد.

حالا برایم بگو



- لباس یک زن و یک مرد مسلمان چگونه باید باشد با راهنمایی معلم در کلاس با دوستان گفت و گو کن.

اکنون می توانی



- کسانی که برای شما محرم و نامحرم هستند را در جدول صفحه ی بعد با علامت (×) مشخص کنید.

(ویژه‌ی دانش‌آموزان دختر)

نامحرم	محرم	
		پسرعمو
		عمو
		پسرخاله
		پدربزرگ
		برادر
		پسرדایی

(ویژه‌ی دانش‌آموزان پسر)

نامحرم	محرم	
		دختردایی
		مادر
		دخترعمه
		عمه
		خواهر

برای خواندن

در دین اسلام پوشاندن گردی صورت و دست‌ها تا مچ برای زنان لازم نیست ولی باید بقیه قسمت‌های بدن را در برابر نامحرم با لباس مناسب بپوشانند.

بیش تر بیاموزیم:

تو می توانی درباره‌ی آداب لباس پوشیدن مردان و زنان مسلمان منطقه‌ی زندگی خود تحقیق کنی و درباره‌ی آن در کلاس برای دوستانت صحبت کنی.

فعّالیت پیشنهادی معلّم:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

بهترین کارها در ماه رمضان

ماه رمضان بود وقتی مریم از مدرسه به خانه برگشت نمازش را خواند و پس از آن خواست تا کمی استراحت کند. پس از مدتی برادرش امیر پیش او آمد و گفت: «مریم جان چه قدر می خوابی؟»

مریم گفت: «مگر نمی دانی خواب روزه دار هم عبادت است؟»

امیر گفت: «من امروز یک توپ والیبال خریدم بیا به حیاط برویم و کمی والیبال بازی کنیم.»

مریم گفت: «حالا وقت بازی نیست چون همسایه ها در حال استراحت هستند.»

امیر پرسید: پس من چه کار کنم؟ حوصله ام سر رفته است. مریم گفت: «برو پیش مادر و به او کمک کن، ما امشب برای افطار مهمان داریم و مادر در حال آماده کردن افطاری است.»

امیر به آشپزخانه رفت و به مادر گفت: «مادر جان چه کمکی می توانم به شما بکنم؟ مادر گفت: «حالا با شما کاری ندارم ولی نزدیک افطار می توانی همراه مریم در چیدن سفره به من کمک کنی.»

امیر پرسید: راستی مادر جان اکنون که روزه هستی پذیرایی از مهمان برایت مشکل نیست؟ بهتر نبود بعد از ماه رمضان مهمانی می دادی؟

مادر گفت: «پذیرایی از مهمان در ماه رمضان یکی از بهترین کارهای ما مسلمانان است. خدای بزرگ به هر کس که روزه داری را مهمان کند و افطاری بدهد پاداش زیادی می دهد.» امیر پرسید: مادر جان پس من اکنون چه کار کنم؟

مادر گفت: «پدر بزرگ مشغول خواندن قرآن است. تو می توانی پیش او بروی و همراه او قرآن بخوانی. چون خواندن و گوش دادن به قرآن یکی از کارهای خوب در ماه رمضان است.»



سخنی از بزرگان



پیامبر (ص) فرمود: ای بندگان خدا در ماه رمضان روزه بگیرید که در این ماه خوابتان عبادت اعمالتان مورد قبول درگاه خداوند بوده و دعاهایتان برآورده می شود.

پاسخ دهید:



— دو مورد از بهترین کارها در ماه رمضان را بیان کنید؟

فکر کن و کامل کن



— خواب روزه دار هم..... است.

— خدای بزرگ به هر کس که..... را مهمان کند و افطاری بدهد پاداش

زیادی می دهد.

حالا براييم بگو

— چه کارهای خوب دیگری می‌توانی در ماه رمضان انجام دهی؟ در این مورد با دوستانت در کلاس گفت‌وگو کن.

اکنون می‌توانی

یکی از عنوان‌های زیر را انتخاب کنی و در مورد آن یک انشای زیبا نوشته و در کلاس بخوانی.

— سفره‌ی افطاری

— سحری در خانه‌ی ما

برای خواندن

این شب‌ها مردم بیشتر از هر وقت دیگری عبادت می‌کنند و نماز و قرآن می‌خوانند. بعضی شب‌ها هم به مسجد رفته و تا سحر بیدار می‌مانند و دعا می‌کنند. این شب‌ها بهتر از هر وقت دیگری می‌توان حرف‌های خوب و دوست‌داشتنی شنید. می‌دانی این شب‌ها چه شب‌هایی است؟ آری شب‌های دوست‌داشتنی ماه رمضان.

بیش‌تر بیاموزیم

مراسم شب‌های قدر در شهر یا محله‌ی شما چگونه برگزار می‌شود؟ در این مورد مطالبی را تهیه کرده و در کلاس برای دوستانت بخوان.

فعالیت پیشنهادی معلم:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

یک همسایه‌ی خوب

ظهر جمعه بود. پس از یک هفته کار، فرصت خوبی برای استراحت پیدا کرده بودم. تازه خوابم برده بود که ناگهان، با سر و صدای زیادی از خواب پریدم. با نگرانی به کوچه رفتم. چند پسر بچه مشغول بازی فوتبال بودند. یکی از آن‌ها توپ را شوت کرد که با شدت به در خانه‌ی یکی از همسایه‌ها خورد. بعد از چند لحظه آقای حمیدی همسایه‌ی کناری هم به کوچه آمد و با دیدن بچه‌ها به آن‌ها گفت: فکر نمی‌کنید با این سر و صدا مزاحم همسایه‌ها می‌شوید؟ الان ظهر است و همه در حال استراحت هستند. ممکن است کسی در خانه‌اش بیماری داشته باشد و یا بچه‌ی کوچکی خوابیده باشد، که سر و صدای شما باعث آزار و اذیت آن‌ها می‌شود.

یکی از بچه‌ها پرسید: پس ما چه کار کنیم؟ آقای حمیدی گفت: اکنون که ظهر است شما هم می‌توانید استراحت کنید. یا بازی‌های بی‌سر و صدا انجام دهید. آن‌ها هنوز مشغول صحبت بودند که من به خانه آمدم و به یاد کودکی خود و حرف‌های پدرم افتادم. پدر همیشه من و برادرم را به رعایت حال همسایه‌ها سفارش می‌کرد. خوب یادم است که می‌گفت: همسایه‌های خوب همیشه به هم کمک می‌کنند، در شادی و غم شریک هم هستند و در صورت نیاز و به هنگام بیماری به عیادت^۱ هم می‌روند. پدرم می‌گفت: حتی دین اسلام هم در مورد رعایت حال همسایه سفارش‌های زیادی کرده است. سال‌ها از زمان کودکی من می‌گذرد ولی حرف‌های پدرم را هرگز فراموش نمی‌کنم و همیشه سعی می‌کنم تا با همسایه‌هایمان مهربان باشم.

۱- عیادت: دیدار، ملاقات کردن



سخنی از بزرگان

پیامبر (ص) فرمود: احترام به همسایه مانند احترام به پدر و مادر است. هر کس همسایه‌اش را آزار دهد مؤمن^۱ نیست.

پاسخ دهید:

— دو مورد از رفتارهای خوب با همسایه‌ها را بنویسید.

فکر کن و کامل کن

— همسایه‌های خوب به هنگام بیماری به..... هم می‌روند.

حالا برایم بگو

— برای این که بازی‌های شما باعث ناراحتی همسایه‌ها نشود به چه مواردی توجه می‌کنید؟ در این مورد در کلاس با دوستانت گفت‌وگو کن.

۱— مؤمن: با ایمان

اکنون می توان بگویی

چگونه می توانیم از حال همسایه ها با خبر شویم؟

اکنون می توانی

با همکاری دوستانت جدول زیر را کامل کنی.

کارهایی که باعث خوشحالی و رضایت همسایه ها می شود	کارهایی که باعث ناراحتی همسایه ها می شود
۱-.....	۱-.....
۲-.....	۲-.....
۳-.....	۳-.....

بیش تربیاموزیم:

در مناسبت های مختلف چه فعالیت هایی گروهی را با همسایه ها می توان انجام داد؟
چند مورد را نوشته و در کلاس برای دوستانت بخوان.

فعالیت پیشنهادی معلم:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

سفر به مشهد

زهرا و محمد وقتی خبر سفر به مشهد را از پدر شنیدند بسیار خوشحال شدند. مدتی بود که به مسافرت نرفته بودند. این سفر برای آن‌ها با مسافرت‌های دیگر فرق داشت. چون هم در شهر مشهد گردش می‌کردند و هم به زیارت حرم امام رضا (ع) می‌رفتند. روز سفر فرا رسید. محمد و زهرا همراه پدر و مادر خود به مشهد رفتند. روزی که برای اولین بار قرار بود به زیارت حرم امام رضا (ع) بروند قبل از رفتن مادر مشغول وضو گرفتن شد. بچه‌ها از پدر پرسیدند مگر الان وقت نماز است که مادر وضو می‌گیرد؟

پدر گفت: «نه، وقت نماز نیست ولی شما هم وضو بگیرید و لباس‌های تمیز بپوشید».

محمد پرسید وضو برای چه؟

پدر گفت: «بهتر است همیشه موقع وارد شدن به حرم امامان با وضو و پاکیزه باشیم. چون چنین جاهایی مقدس و قابل احترام هستند و ما باید آداب ورود به این مکان‌ها را رعایت کنیم». محمد پرسید: چه آدابی را؟

پدر گفت: «به عنوان مثال، با وضو و لباس‌های پاکیزه وارد حرم امامان، مساجد و امام‌زاده‌ها شویم، از آن‌جا که افراد زیادی برای زیارت و عبادت به این مکان‌ها می‌آیند لازم است آرام در جای مناسبی نشستیم و مشغول دعا و راز و نیاز با خدا شویم، از شوخی و سر و صداها بی‌جا دوری کنیم، نظافت را رعایت کنیم، پس از خواندن قرآن و کتاب دعا آن‌ها را در جای مخصوص خود قرار دهیم». بچه‌ها وقتی حرف‌های پدر را شنیدند برای رفتن به زیارت خود را آماده کردند. آن‌ها به هنگام زیارت همه‌ی سخنان پدر را به خاطر داشته به آن‌ها عمل کردند.



پاسخ دهید:

- ۱— چرا بهتر است همیشه موقع وارد شدن به حرم امامان با وضو و پاکیزه باشیم؟
- ۲— سه مورد از کارهایی که در مکان‌های مقدّس باید رعایت کنیم را بیان کنید.

فکر کن و کامل کن

— همیشه موقع وارد شدن به حرم امامان با..... و پاکیزه باشیم.

اکنون می‌توانی بگویی

— مکان‌های مقدّسی را که در شهر شما وجود دارد را نام ببر.

اکنون می توانی

کارهای درست و نادرست را با علامت × مشخص کنی.

نادرست	درست	
		در مسجد با صدای بلند حرف می زنم.
		با لباس های تمیز و بدنی پاکیزه به زیارت حرم امامان می روم.
		وقتی در مسجد نماز می خوانم مهر خود را در جای مخصوص خودش قرار می دهم.
		بدون وضو در مسجد قرآن می خوانم.

بیش تر بیاموزیم:

یکی از خاطرات خود را از سفر به مکان های زیارتی بنویس و در کلاس برای دوستان

بخوان.

فعالیت پیشنهادی معلم:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

با هم دعا کنیم

ای خدای مهربان، تو را شکر می‌کنم که به من کمک کردی تا این سال تحصیلی را با موفقیت بگذرانم. از معلم خود سپاس گزارم که با مهربانی و دلسوزی به من کمک کرد تا چیزهای زیادی بیاموزم. خدایا، معلم و پدر و مادرم را همیشه سلامت بدار و به من کمک کن تا با انجام دادن کارهای خوب، دل آنها را شاد کنم و به راهی بروم که رضایت و خشنودی تو در آن است.

آمین یا رب العالمین

